

مطالعه فرهنگی موسیقی و اسلام از منظر مردم شناسی موسیقی (از عصر باستان تا دوره اسلامی)

طاهره مهربد

دانشجوی مقطع دکترا رشته مردم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

tahereh.mehrbud@gmail.com

چکیده

موسیقی نشانه‌ای از نظام هماهنگ آفرینش است، مایه تهذیب و آرامش خوی است و در سوق دادن انسان به زندگی آرام و هماهنگ در جامعه و بهبود حیات اجتماعی و سیاسی تأثیر بسزایی دارد. موسیقی عظمت آرزویی منزلت آدمی را به وی گوشزد می‌کند. نگارنده در این پژوهش با روش اسنادی کتابخانه‌ای کاربرد موسیقی و هنر آوایی را در بستر جامعه ایران از نگاه مردم‌شناسی موسیقی مورد بررسی قرار داده است. بسیاری از مظاهر طبیعت، ندای موسیقی را ایجاد می‌کند. صدای آبشار، ریزش باران، وزش باد از میان برگ‌های درختان، چهچه‌ی بلبل و ... هریک نغمه‌ای از نوای طبیعت است. انسان در میان این اصوات به دنیا آمد، مابانی موسیقی را از طبیعت آموخت و بعد برای پرستش خدایان آوازهایی را می‌خواند که تدریجاً به صورت مذهبی و آوازه‌های دسته‌جمعی در آمد. در میان تمام ملت‌ها و به خصوص مردمان آسیایی، موسیقی و ادبیات در اجرای آیین‌های دینی از چنان نقش و اهمیتی برخوردار است که در گذشته هیچ آیینی بدون موسیقی یا ادبیات مخصوص به خود به اجرا در نمی‌آمد. به همین دلیل است که در میان این ملل، موسیقی دینی و آیینی مهم‌ترین بخش هنر و موسیقی بوده است. مهارت در نواختن آلات و ابزار موسیقی نیز اهمیتی برابر بامهارت در موسیقی اسطوره‌ای یا غیردینی داشت. «موسیقی دینی» در ادیان مختلف از جمله اسلام همواره وجود داشته و منشأ آثار هنری گوناگونی نیز شده است.

واژگان کلیدی: موسیقی، موسیقی دینی، موسیقی اسلامی، موسیقی حماسی، موسیقی ملی.

۱- مقدمه و طرح موضوع

«انسان»^۱ به مثابه یک موجود بیولوژیکی/فرهنگی است که هرچند در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، گونه‌های بسیار متفاوتی از آن دیده شده‌اند، اما شباهت‌های بی‌شماری که میان این گونه‌ها، چه درون یک فرهنگ خاص و چه میان فرهنگ‌های گوناگون مشاهده می‌شوند، می‌توانند گویای جهان‌شمول بودن این موجود باشند. و اگر انسان را موجودی جهان‌شمول بدانیم، باید آفرینش‌های هنری او، از جمله موسیقی، را نیز موجودیت‌هایی جهان‌شمول به حساب بیاوریم. اما جهان‌شمولی تنها در حالتی قابل قبول است که بتوان عنصر یا عناصر مشترکی را در تمامی گونه‌های پدیده مورد نظر نمایش داد.

اگر خواسته باشیم در موسیقی عنصری را بیابیم که حامل این جهان‌شمولی در ذاتی‌ترین شکل آن باشد، یعنی نوعی تداوم و اشتراک را از «قدیمی‌ترین» و «ساده‌ترین» اشکال موسیقی گرفته تا جدیدترین و «پیچیده‌ترین» اشکال آن نشان دهد، در نهایت تنها به یک عنصر می‌رسیم که می‌توان ادعا کرد ذات موسیقی را می‌سازد و آن «صدا» ست. اگر نقاشی را بتوان در

^۱ - Anthropos